

بسم الله الرحمن الرحيم

## درس نامه سطح 1

موضوع: سیره فردی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

### جلسه اول

**اشاره:** برای همه‌ی ما جالب است بدانیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چگونه زندگی می‌کرد؟ شیوه‌ی راه رفتن، غذا خوردن، خوابیدن، شوخی و عبادت و ... ایشان چه بوده است؟ در این درس بدون پرداختن به حاشیه‌ها، در سه بخش (فردی، خانوادگی و اجتماعی) به روش زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کنیم تا از این رهگذر الگوی مناسب رفتاری خود را بیابیم.

#### یادآوری:

- 1- از خواندن متن عربی روایات - جز در موارد محدود و خاص - پرهیز کنید.
- 2- یان مصادیق و نمونه‌های عینی و به روز برای دانش آموزان با استفاده از متن درسنامه و نیز نکته برداری اساتید محترم به جذابیت و کاربردی شدن کلاس خواهد افزود. برخی از آنها در متن ذکر شده است و اساتید محترم می‌توانند نمونه‌های دیگری را نیز بدان اضافه کنند.

#### 1. عاشق نماز بود

- درباره عبادت آن حضرت از طرق مختلف نقل شده است که چون وقت نماز می‌رسید چنان منقلب می‌شد که گویا از مدت‌ها قبل منتظر فرا رسیدن چنین وقتی بوده و در این حال نه او کسی را می‌شناخت و نه کسی او را.<sup>۱</sup>
- به راستی همان گونه که خود بارها فرمود، نور چشمش در نماز و روزه بود: «قره عینی فی الصلوة و الصیام».<sup>۲</sup>

1 . مستدرک الوسائل، کتاب الصلوة، باب 2، حدیث 17.  
2 . همان ص 278.

- روزی به ابوذر غفاری فرمود: ای اباذر! خداوند متعال نماز را محبوب دل من ساخته است، همان گونه که غذا را محبوب دل گرسنگان و آب را مطلوب تشنگان قرار داده است؛ ولی گرسنه و تشنه از غذا و آب سیر می شوند اما من هرگز از نماز سیر نمی شوم.<sup>۳</sup>
- و نیز در احیاء العلوم می گوید: در روایت دیگری دارد که رسول خدا(ص) وقتی که نماز می خواند مانند پارچه ای می شد که در گوشه ای افتاده باشد.<sup>۴</sup>
- همسر پیامبر (ص) گفته است: رسول خدا(ص) برای ما و ما برای او سخن می گفتیم، همینکه موقع نماز می شد حالتی به خود می گرفت که گوئی نه او ما را می شناخته و نه ما او را می شناخته ایم.<sup>۵</sup>

## 2. همیشه در انتظار نماز بود

- كان النبي صلى الله عليه وآله وسلم يَنْظِرُ وَقْتَ الصَّلَاةِ وَيَشْتَدُّ شَوْقَهُ وَيَتَرَقَّبُ دُخُولَهُ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای وقت نماز انتظار می کشید و شوقش برای عبادت افزون می شد و چشم به راه رسیدن وقت نماز بود.<sup>۶</sup>
- در روایت دیگر آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هیچ چیز را نه شام و نه غیر آن را بر نماز مقدم نمی داشت. هرگاه وقت فرا می رسید، نه خانواده می شناخت و نه دوست.<sup>۷</sup>
- یادآوری

روزی این انتظار نماز از پیامبر فوت شد. حتماً می پرسید چرا؟  
جواب:

- روزی پیامبر، به همراه بلال، از کوچه‌ای می گذشتند. بچه‌ها مشغول بازی بودند. بچه‌ها تا پیامبر را دیدند، دور او حلقه زدند و دامنش را گرفتند و گفتند: همان طور که حسن و حسین را بر شانه‌تان سوار می کنید، ما را هم بر شانه خود سوار کنید.
- بچه‌ها هر یک گوشه‌ای از دامن پیامبر را گرفته بودند و با شور و اشتیاق، همین جمله را تکرار می کردند. پیامبر با دیدن این همه شور و شوق، به بلال فرمودند: «ای بلال! به منزل برو و هر چه پیدا کردی، بیاور تا خود را از این بچه‌ها بخرم».
- بلال، با عجله رفت و با هشت گردو برگشت. پیامبر، هشت گردو را بین بچه‌ها تقسیم کردند و بدین ترتیب، خود را از دست بچه‌ها رها کردند و به همراه بلال، به راهشان ادامه دادند. در راه،

3. وسائل الشیعه، ج 7، ص 304 و 306 از ابواب صوم مندوب.

4. مستدرک ج 1 ص 263.

5. مستدرک ج 1 ص 264 ح 18.

6 - سنن النبی، ص 268، حدیث 257.

7. سنن النبی، ص 268.

پیامبر، رو به بلال کردند و به مزاح گفتند: «خدا برادرم، یوسف صدیق را رحمت کند. او را به مقداری پول بی ارزش فروختند و مرا نیز به هشت گردو معامله کردند».<sup>8</sup>

این داستان بدینگونه نیز نقل شده است: روزی پیامبر اکرم (ص) هنگام عزیمت به طرف مسجد قبل از اذان جهت انتظار نماز بود که با عده‌ای از بچه‌ها که در حال بازی کردن بودند برخورد می‌کنند با بچه‌ها شروع به بازی می‌کند. بعد از مدتی از بچه‌ها اجازه می‌گیرند جهت عزیمت به مسجد. ولی با مخالفت بچه‌ها همراه می‌شود. پیامبر مهربان به خاطر دل قشنگ بچه‌ها بازی را ادامه می‌دهند. تا این‌که بلال موذن باخبر می‌شود دنبال پیامبر اکرم می‌آید با ترفند خاصی پیامبر را از دست بچه‌ها که به هیچ وجه حاضر نمی‌شدند جدا کرد. داستان این‌گونه است که بلال با پیامبر اکرم فرمود چهره من سیاه است می‌خواهی با صدای بلند خرناسم بچه‌ها را جدا کنم پیامبر مهربان اجازه این کار را ندادند فرمودند راه دیگری هم باید باشد. بلال فکر کرد چند تا گردو تهیه کرد و با بچه‌ها معامله کرد اگر گردوها را به شما بدهم پیامبر را به من می‌فروشید. خلاصه بچه‌ها پیامبرشان را با چند تا گردو عوض کردند. (چون قدر و منزلت پیامبر را نمی‌دانستند).

### 3. در حال نماز می‌گریست

• **كَانَ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلُ مُصَلَّاهُ خَشْيَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ؛**

آنقدر در نماز گریه می‌کرد تا جانمازش تر می‌شد، گریه‌اش از خوف خدا بود، بی آن که جرمی

داشته باشد.<sup>9</sup>

### 4. تا بیدار می‌شد سجده می‌کرد

• هیچ‌گاه از خواب بیدار نشد، مگر این که سر بر خاک نهاد و برای خدا سجده کرد.<sup>10</sup>

### 15 - با صدای زیبا قرآن می‌خواند

- **كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؛** از همه مردم زیباتر و خوش‌آهنگ‌تر قرآن می‌خواند.<sup>11</sup>
- فضیلت و عظمت قرآن، فوق درک محدود انسان خاکی است. فضیلت آن را باید از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) شنید. در روایتی پیامبر (ص) می‌فرماید: "اعبد النَّاسَ أَكْثَرَهُمْ تَلَاوَهُ لِلْقُرْآنِ؛ عابدترین مردم کسی است که بیشتر تلاوت قرآن کرده باشد."<sup>12</sup>
- در روایت دیگری حضرت (ص) فرمود: "هر کس برای تحصیل رضای خدا و فهم دین، قرائت قرآن کریم کند، پاداش و ثواب وی همانند پاداش و ثواب همه فرشتگان و پیغمبران می‌باشد."<sup>13</sup>

8. وقایع الأيام، ج 3 ص 69.  
9. سنن النبی، ص 32.  
10. مکارم الاخلاق، ص 39.  
11. سنن النبی، ص 311.  
12. کنز العمال، ج 1، ص 510.  
13. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص 293.

- پیامبر گرامی به سلمان فارسی فرمود: "بر تو باد که قرائت قرآن کریم کنی، زیرا قرائت قرآن کفار گناهان و پوششی در آتش و ایمنی از عذاب است... مؤمن چون قرائت قرآن کند، خدا به وی نظر رحمت فرماید. فضیلت قرآن بر سایر کلام همانند فضیلت و برتری خدا بر خلقش می باشد.<sup>۱۴</sup>

- می فرمود: خداوند متعال خواننده "قرآن" را به هر حرفی که در نماز ایستاده قرائت کند، صد حسنه و اگر نشسته بخواند پنجاه حسنه و اگر در غیر نماز با طهارت (وضو) باشد، بیست و پنج حسنه و بی طهارت ده حسنه عطا می فرماید.

- می فرمود: هر کس در شب، ده آیه از "قرآن" را تلاوت کند، او را از غافلان نویسند، و هر کس پنجاه آیه تلاوت کند، او را از ذاکران نویسند. و هر کس صد آیه تلاوت کند او را در کتاب مطیعان و داعیان ثبت کنند.<sup>۱۵</sup>

قرآن بخوان ای دانش آموز فضیلت  
 زیرا کمال روح انسان است قرآن

قرآن کتاب زندگی باشد برادر  
 مسطوره ای از عرش رحمان است قرآن

بر جان اهل دین و ایمان نور هستی است  
 بر اهل باطل خشم نیران است قرآن<sup>۱۶</sup>

### 5. زیاد استغفار می کرد

- سیره دائمی رسول خدا (ص) در دعا این بود که هر روز هفتاد مرتبه استغفار می کرد و هفتاد بار توبه می نمود: «کان رسول الله یستغفر الله فی کل یوم سبعین مره و یتوب الی الله سبعین مره».<sup>۱۷</sup>

- امام صادق (ع) می فرماید: روزی رسول معظم در کوه صفا حرکت کردند و برای حاجی ها خطبه ای ایراد نمودند و فرمودند: «یا بنی هاشم یا بنی عبدالمطلب انی رسول الله الیکم و انی شفیق علیکم و ان لی عملی و لكل رجل منکم عمله...؛ ای فرزندان بنی هاشم و عبدالمطلب! من رسول خدا هستم و برای شما مبعوث شده و دوستی مهربان برایتان می باشم، ولی آگاه باشید من مرهون عمل خود هستم و هر یک از شما نیز در گرو اعمالتان می باشید؛ نگویید: محمد از ماست و به زودی جایگزین او می شویم. بدانید دوستان راستین من از شما و غیر شما، جز افراد با تقوا نخواهند بود. اگر فردای قیامت و زر و وبال دنیا را بر پشت خود حمل کنید، من شما را نخواهم شناخت و اگر مردمی بیایند که ثواب آخرت را به دوش می کشند آنان را خواهم شناخت. پس با زاد و توشه تقوا و اخلاص وارد عرصه محشر شوید.<sup>۱۸</sup>

14 . ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 52 .

15 . قاموس قرآن، 3 / 1.

16 . حجة الاسلام صدیق عربانی.

17 . اصول کافی، ج 2، ص 505.

18 . روضه کافی، ص 182.

- علی (ع) فرمود: هر وقت دهن دره و خمیازه رسول خدا را می گرفت آن جناب آنرا با دست راست خود رد می کرد.

### 6. ساده زندگی می کرد

- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم مثل بندگان بر زمین می نشست، مثل بندگان بر زمین غذا می خورد و بر زمین می خوابید و می دانست که بنده است!...
- وقتی که یک زن بدوی به آن حضرت گفت: چرا مثل بندگان غذا می خوری و می نشینی، حضرت فرمود: «ای عبد اعبد منی؟»، «وای بر تو! چه کسی از من بنده تر است؟»<sup>19</sup>
- نکته: البته استفاده از مبل و صندلی و میز غذا و .. اشکالی ندارد؛ ولی به شرطی که از روی تفاخر نباشد.
- رهبر بزرگ جهان اسلام از نظر امکانات مادی و زندگی همطراز طبقات پایین جامعه آن روز زندگی می کرد و از تنوع طلبی و تجمل گرایی پرهیز داشت. حضرت علی (ع) زهد و پارسایی و ساده زیستی پیامبر را چنین توصیف می فرماید: ((پیامبر از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا به گوشه چشم نگریست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته تر و شکمش از همه خالی تر بود....

### 7. وسایل شخصی داشت

- «وكان صلى الله عليه وآله ينظر في المرأة... ولقد كان يتجمل لأصحابه فضلاً على تجمل له لأهله؛» (رسول خدا صلی الله علیه و آله در آینه نگاه می کرد، موی سر خود را شانه می زد، گاهی هم به جای آینه، در ظرف آب نگاه می کرد و موی سر خود را مرتب می ساخت و علاوه بر این که در خانه آراسته بود، برای برادران دینی هم خود را می آراست.)<sup>20</sup>

- رسول خدا (ص) حوله های متعددی داشت، با نام های مختلف و کاربردهای گوناگون، که به مراعات بهداشت و نظافت و نظم هم مربوط می شود.
- در روایت آمده است: آن حضرت دستمال و حوله ای داشت که پس از وضو چهره ی خود را با آن خشک می کرد. و اگر حوله و دستمالی همراه نداشت، با گوشه ی لباس خود صورت را خشک می کرد.

**نکته:** البته باید مواظب بود که به بهانه تمیزی و نظافت ظاهر هر روز به یک رنگ در نیاییم و با وسواس ساعت ها و قتمان را جلوی آینه نگذرانیم.

### 8. همیشه عمل می زد

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشک و عنبر خود را خوشبو می ساخت.<sup>21</sup>

19. مکارم الاخلاق، ص 16.  
20. بحار الانوار، ج 16، ص 249.  
21. همان.

هزینه کردن برای عطر بسیار پسندیده است و به روایت امام صادق علیه السلام: « پیامبر خدا صلی الله علیه واله بیش تر از خوراک و طعام برای عطر هزینه می کرد. »<sup>۲۲</sup>

- از بوی خوشی که در فضا باقی می ماند، می فهمیدند که رسول گرامی از آنجا عبور کرده است. اگر بر سر کودک دست می کشید، بوی خوش دستش بر موی کودک می ماند.

### 9. موقع خواب مسواک می کرد

- «وكان يَسْتَاكُ إِذَا ارَادَ أَنْ يَنَامَ وَيَأْخُذُ مَضْجَعَهُ»؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه واله موقع خواب مسواک می کرد.<sup>۲۳</sup>

آری! ایشان دندان هایش پیوسته براق و سفید بود و امت خویش را هم به مسواک زدن دستور می داد.

### 10. لباس ساده می پوشید

لباس، برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و آلودگی و مایه ی آبرو و آراستگی انسان است. «ساده پوشی» به عنوان یکی از مظاهر ساده زیستی و رهایی از تعلقات مادی است. پیامبر اکرم (ص) این گونه به زندگی و دنیا می نگریست و این گونه نیز می زیست و هرگز ارزش را در «لباس» نمی دید.

- ساده زیستی رسول خدا (ص) و وابسته نبودن به جلوه های فریبده ی دنیا و به ناز و نعمت آن دل نبستن و به جلوه های مادی دل خوش نداشتن، در همه ی شوون زندگی وی متجلی بود از جمله در کیفیت و نوع لباس و فرش و زیر انداز و ...

- نقل شده که گاهی آن حضرت، روی حصیر می خوابید، بی آن که جز آن چیزی زیرش باشد. (۱۴)

- مهم، مباح بودن لباس بود که برای رسول خدا اهمیت داشت، نه قیمت و جنس و دوخت و جذاب بودن!

### 11. لباس سفید را دوست داشت

- بیشتر جامه های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سفید بود و می فرمود: لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید.<sup>۲۴</sup>

- رسول خدا (ص) هم به سلامت و عافیت جسمی، هم به سادگی و هم به نوع سالم تر پارچه ی لباس توجه داشت. لباس پنبه ای مورد علاقه ی آن حضرت بود. علی (ع) می فرماید: لباس های پنبه ای بپوشید، چرا که آن، لباس پیامبر خداست.<sup>۲۵</sup>

- رسول خدا (ص) نمونه ی اعلا ی تمیزی و آراستگی بود. در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و در مورد نظافت جامه می فرمود: «من اتخذ ثوبا فليظفه».<sup>۲۶</sup>

22 . بحار الانوار، ج 16، ص 248.

23 . بحار الانوار، ج 16، ص 253.

24 . سنن النبی، ص 120.

25 . البسوا الثياب القطن فانها لباس رسول الله؛ سنن النبی، ص 126.

**نکته:** لباس سفید، خود به خود طوری است که چرک و آلودگی زودتر در آن معلوم می شود، و انسان مقید به سنت نبوی نظافت، به شستن و تمیز کردن آن روی می آورد؛ به علاوه انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است.

### **12. از لباس شهرت پرهیز می کرد**

• رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نهی می کرد که مردان، در لباس پوشیدن خود را شبیه زنان سازند، و نهی می کرد که زنان، در لباس شبیه مردان شوند.<sup>۲۷</sup>

• آن حضرت فرمود: «هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی غیر معمول که به خاطر آن انگشت نما شود) خداوند در روز قیامت جامه ذلت و خواری بر او می پوشاند.»<sup>۲۸</sup>

### **13. کارهای مهم را با دست راست انجام می داد**

- گرچه غذا خوردن، لباس پوشیدن و مانند آن، کاری ساده، روزمره و عادی است، ولی روش و سیره اولیای دین در این زمینه ها هم برای ما مهم است .
- پیامبر اکرم (ص) هر گاه لباس و پیراهن می پوشید، ابتدا سمت راست را بر تن می کرد و هر گاه جامه از تن در می آورد، از سمت چپ شروع می کرد.<sup>۲۹</sup>
- آن حضرت، انجام کار را با دست راست، و شروع از سمت راست را در همه ی کارهایش دوست داشت؛ در پوشیدن جامه و کفش، در شانه کردن موی.<sup>۳۰</sup>

### **14. زبانش را نکه می داشت**

• كَان رَسُولُ اللَّهِ يَخْزُنُ لِسَانَهُ...؛ زبان خود را از غیر سخنان مورد نیاز باز می داشت و کلامش مردم را الفت می بخشید و آنان را دور و بیزار نمی ساخت.<sup>۳۱</sup>

سخن بی جا، حرفهای زشت، قسم خوردن های بیجا و بی مورد و... هرگز از ایشان شنیده نشد.

• هنگامی که مسلمانان برای جنگ بدر رهسپار بودند، در مسیر خود به عربی بادیه نشین برخوردند. از او پرسیدند: آيا سپاه قريش را ديده است؟ مرد پاسخی نداد. به او گفتند: به پیامبر خدا سلام کن. بیابان نشین ریشخندکنان پرسید: آیا رسول خدا میان شماست؟ مسلمانان گفتند: بله، پس بر او سلام کن!

مرد عرب نزد پیامبر آمد و گفت: اگر تو پیامبر خدایی، به من بگو در شکم این شتر ماده من چیست؟ سلمه پسر سلامه گفت: این مطلب را از رسول خدا نپرس. پیش من بیا، من به تو می گویم، آن گاه سخن

26 . مکارم الاخلاق، ص ۱۰۳ .

27 . مکارم الاخلاق ، ص 118 .

28 . مکارم الاخلاق ، ص 116 .

29

30

31 . سنن النبی، ص 115 .



نا مربوطی به زبان آورد! رسول گرامی فرمود: «دست بردار، به مرد دشنام می دهی؟!» پس به اعتراض، چهره از سلمه برگرفت.

• آن حضرت در جنگ بدر مسمانان را از دشنام گویی به کشتگان دشمن بر حذر داشت و فرمود: به ایشان دشنام مدهید که این کار شما بر کشتگان تاثیری ندارد و بازماندگانشان را آزار می دهد. آگاه باشید که بددهنی، فرو مایگی است.

این بزرگوار در هشداری به امت خود می فرماید: به کسی دشنام مده. اگر دیگری به دروغ به تو دشنام داد، تو او را به چیزی که می دانی بددهنی نکن. در این صورت، پاداش از آن تو و گناه از آن اوست.<sup>۳۳</sup>

### 15. با تبسم سخن می گفت

• کان رسول الله صلی الله علیه و اله اذا حدث تبسم فی حدیثه؛ «سخن گفتن پیامبر صلی الله علیه و اله آمیخته به تبسمی ملیح و دلنشین بود.»<sup>۳۳</sup>

### 16. متواضع و فروتن بود

• ابوذر غفاری نقل می کند: رسول خدا (ص) میان اصحاب می نشست و گاهی که فردی غریب و ناشناس می آمد و آن حضرت را نمی شناخت از جمع می پرسید: محمد کدام یک از شماست. آن بزرگوار همواره در میان اصحابش حلقه وار می نشست تا امتیازی پیدا نکند، می فرمود: «ان الله یکره من عبده ان یراه متمیزاً بین اصحابه؛ خداوند کراهت دارد از آن بنده ای که خود را برجسته تر از اصحابش بنگرد.»

### 17. هنگام خواب آیه الکرسی می خواند

• پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم، پیوسته به یاد خدا بود، هم در دل و هم در زبان. هنگام خواب، به توصیه جبرئیل امین، «آیه الکرسی» می خواند.<sup>۳۴</sup>

### 18. کارها را محکم و متقن انجام می داد

• مایل بود کاری که انجام می دهد متقن و محکم باشد تا آنجا که وقتی یار مخلصش سعد ابن معاذ از دنیا رفت و او را در قبر نهادند، او با دست خویش سنگها و خشتهای او را جابجا و محکم کرد و آنگاه گفت: من می دانم که طولی نمی کشد همه اینها خراب می شود، اما خداوند دوست می دارد که هرگاه بنده ای کاری انجام می دهد آن را محکم و متقن انجام دهد.<sup>۳۵</sup>

### 19. اهل کار و تلاش بود

32. طوبی، شهریور 1385، شماره 9.

33. سنن النبی، ص 48.

34. مکارم الاخلاق، ص 38.

35. بحار الانوار، ج 22، ص 107.

- تلاش و کار، یکی از ویژگی‌های بارز رسول گرامی اسلام بود. او هم خود، کار می‌کرد و هم دیگران را به کار و پاداش دنیایی و آخرتی آن ترغیب می‌فرمود.
  - در روایتی آمده است که روزی رسول خدا با جمعی از اصحاب در محلی حضور داشتند. چشمان یاران پیامبر به جوانی نیرومند و زیبا اندام افتاد که در اول صبح به کار اشتغال داشت. به آن حضرت عرض کردند: یا رسول الله! اگر این جوان نیرومند، نیرو و انرژی خود را در راه خدا مصرف می‌کرد، چقدر شایسته مدح و تمجید بود! حضرت فرمود:
- این سخن را نگویند؛ یا این جوان برای تأمین معاش و بی‌نیازی از دیگران کار می‌کند، یا هدف او پذیرایی از پدر و مادر ناتوان خود است، و یا مقصود او سر و سامان دادن به خانواده و فرزندانش می‌باشد. در همه این حالات، انگیزه او مقدس و کار او در راه خداست.<sup>۳۶</sup>
- آن حضرت با دست‌های مبارک کار می‌کرد. امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا سنگ‌ها را به دوش خود حمل می‌کرد و دیوار خانه‌اش را می‌ساخت.<sup>۳۷</sup>
  - ایشان به کاشتن درخت بسیار علاقه داشت و خود با دست‌های مبارک باغ احداث می‌کرد تا خود و دیگران از آن نفع ببرند. علی علیه السلام به سلمان فرمود: «ای اباعبدالله! باغی را که پیامبر با دستان خویش آن را ساخته و درخت‌هایش را کاشته است، برای فروش به مشتریان عرضه کن.» و سلمان، آن را به دوازده درهم فروخت.<sup>۳۸</sup>
  - آن حضرت در عرصه اجتماع نیز مانند یک کارگر با جدیت کار می‌کرد و عرق می‌ریخت. آن حضرت هنگام تأسیس «مسجد قبا»، اولین مسجد مسلمانان، همدوش دیگران کار می‌کرد و سنگ‌های کوچک و بزرگ را حمل می‌کرد؛ به طوری که آثار گرد و خاک سنگ‌ها کاملاً در بدن او نمایان بود. اگر شخصی از اصحاب پیش ایشان می‌آمد، اجازه می‌گرفت تا سنگ‌ها و خاک‌ها را ببرد، او نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: «نه، تو هم سنگ دیگری را بردار.» با کوشش آن حضرت و اصحابش ساختمان مسجد به زودی به پایان رسید.<sup>۳۹</sup>

## 20. با کسالت راه نمی‌رفت

- كَان رَسُولُ اللَّهِ إِذَا مَشَى مَشْيًا يُعْرَفُ أَنَّهُ لَيْسَ يَمْشِي عَاجِزًا وَلَا بِكَسْلَانٍ؛<sup>۴۰</sup>
- نحوه راه رفتن حضرت رسول، استوار و متین و با قدرت و استواری بود. مشی محکم نشانه عاجز و سست و کسل نبودن حضرت بود.

36 . المحجة البيضاء، ج 3، ص 140.

37 . وسائل الشيعة، ج 14، ص 81.

38 . حلية الابرار، سيد هاشم حسینی بحرانی، ج 1، ص 331.

39 . معجم الكبير، طبرانی، ج 24، ص 318.

40 . بحار الانوار، ج 16، ص 236.

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

با تشکر از حجت الاسلام والمسلمین برناس

گروه علم فرهنگی یاران سبز موعود (عج)